

## جایگاه سنت حسنه وقف در فرهنگ اسلامی؛ با تأمل بر قرآن و سیره معصومان (ع)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۳/۱۲

تاریخ تأیید مقاله: ۹۳/۱۰/۶

کاظم منافی شرف آباد\*

الهام زمانی\*\*

عباس پورسلیم\*\*\*

### چکیده

وقف از ویژگی‌های نظام حقوقی و اقتصادی اسلام است و جایگاه و اهمیت والایی دارد. این کار خیر مصداق روشن یاری‌رسانی، احسان و انفاقی همیشگی، بی‌ریا، بدون منت، بی‌آزار و به دور از تحقیر شخصیت دیگران به‌شمار می‌آید. وامی بی‌بهره و راهی است بسیار مناسب برای جلوگیری از بروز اختلاف طبقاتی و همچون توشه‌ای برای انسان ذخیره می‌شود. اگر این سنت نیکو تبلیغ و فراگیر شود، آثار مثبت و ماندگار دنیوی و ثمرات اخروی فراوانی نصیب واقف خواهد شد. در واقع، وقف عامل جاودانگی اعمال شخص است که نامه عمل واقف را جاودان می‌سازد و از این راه زمینه کسب خیرات را برای او دائمی و مستمر می‌کند. هدف اصلی این مقاله، تبیین وقف از دیدگاه قرآن و عترت است. روش پژوهش به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده، به این ترتیب که همه منابع و مطالعات مربوط به موضوع با فرم‌های فیش‌برداری گردآوری و به شیوه کیفی به ارائه یافته‌های پژوهشی پرداخته شده است. در این مقاله ابتدا مفهوم وقف، شرایط و اقسام آن، حقیقت وقف و در ادامه جایگاه و اهمیت وقف از دیدگاه قرآن و عترت مورد بحث قرار می‌گیرد. سپس به مصادیق وقف در قرآن کریم اشاره می‌شود و در نهایت به نمونه‌های فرهنگ وقف در زندگانی اهل بیت (ع) پرداخته خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** وقف، فرهنگ اسلامی، قرآن، سیره معصومان (ع).

\* دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه بوعلی سینا، Email: Kmsh65@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه کاشان، Email: zamani.e.88@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه بهشتی، Email: a.poorsalim@gmail.com

پیشینه وقف و انجام کارهای خیر به درازای عمر بشر و همزاد انسان بوده زیرا انجام کار خیر جزئی از سرشت و فطرت پاک انسانی است. حس نوع دوستی و کمک به هم‌نوع در طول تاریخ بشری به شکل‌های مختلف جلوه‌گر شده است مانند صرف اموال در امور خیریه و کمک به نیازمندان و خویشاوندان دور و نزدیک. نقل است حضرت ابراهیم (ع) بعد از اینکه مأموریت خود را در تجدید بنای کعبه به انجام رساند، برای تعمیر خانه و ارتزاق خدمتکاران آن اموالی را اختصاص داد. بنابراین وقف در میان اقوام و ملل متمدن وجود داشته است و اکنون نیز به صورت‌های گوناگون انجام می‌شود. نیکوکاران و بشردوستان برای خدمت به هم‌نوعان، برطرف کردن نیازهای آنان و بقای نام و اثر خود، در زمان حیات تمام و یا قسمتی از اموال خود را وقف کارهای خیر و رفع نیازهای جامعه کرده‌اند، به گونه‌ای که خود آن مال همیشه باقی بماند و منافعش صرف کارهای مخصوصی شود. این کار نیکو چه در زمان‌های گذشته و چه در عصر حاضر، که اسباب تمدن و فرهنگ بسیار گسترش یافته، یکی از خدمات سودمند اجتماعی است که در بسیاری از شئون گوناگون فرهنگی و بهداشتی اجتماع مفید واقع می‌شود.

تاریخچه این کار پسندیده در اسلام به بنا نهادن نظام وقف از سوی رسول خدا در شهر مدینه برمی‌گردد. سپس به پیروی از سنتی که از رسول اکرم (ص) باقی مانده بود، وقف نقش بسزایی در عمران و آبادی شهرهای اسلامی ایفا کرد. به این ترتیب وقف در جهان اسلام و هم‌زمان با رسالت پیامبر (ص) تحقق پیدا کرد، سپس حضرت علی (ع) با عمران و آبادانی زمین‌های بایر، حفر چاه و ایجاد نخلستان، همه منافع این زمین‌ها را با عنوان وقف برای استفاده مستمندان قرار دادند و این روش و سیره پسندیده از سوی ائمه اطهار (ع)، علما، صالحین، افراد خیر و نیکوکار ادامه یافت (فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۸). مردم مسلمان ایران نیز با تکیه بر فرهنگ اسلامی و به منظور رضای خداوند و نزدیک شدن با پروردگار، توجه ویژه‌ای به وقف نشان داده‌اند (شهبازی، ۱۳۴۹: ۱۱). در ایران نیز وقف سابقه‌ای طولانی دارد، به طوری که از دوران باستان فرهنگ نذر و وقف در آتشگاه‌ها و معابد متداول بوده است. در دوره عباسی، رقبات موقوفه و درآمد آنها در همه ممالک اسلامی رو به فزونی نهاد. در این دوره در شهرهای بزرگ ایران مثل شیراز، اصفهان و ری املاک بسیاری برای امور فرهنگی، بهداشتی و دینی وقف شد. در دوره صفویه، رشد



موقوفات شتاب بیشتری گرفت و این حرکت با سقوط صفویان کم‌رنگ شد. در دوره قاجاریه فرهنگ وقف دوباره گسترش یافت. در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی، قانون وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تصویب شد و از سال ۱۳۰۷ به اجرا درآمد. با پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به فرمان امام خمینی (ره) در خصوص لزوم باقی ماندن موقوفات بر حال وقف، روح تازه‌ای بر جریان احیای موقوفات دمیده شد و روند توسعه موقوفات جان تازه‌ای گرفت (بزرگی، ۱۳۷۹: ۱۰۹).

مقاله حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی و از نوع مطالعات کتابخانه‌ای با استناد به منابع و متون مقدس اسلامی نگارش یافته، درصدد تبیین جایگاه سنت حسنه وقف در فرهنگ اسلامی با تأمل بر قرآن و سیره معصومان (ع) است. برای تحقق این هدف، ابتدا به مفهوم وقف در فرهنگ اسلامی، فلسفه و هدف تأسیس و ترویج وقف در اسلام پرداخته شده، سپس به حقیقت وقف از دیدگاه قرآن و معصومان (ع) اشاره شده و در نهایت مصادیق وقف در قرآن کریم و نمونه‌های وقف در سیره معصومان (ع) آمده است.

### مفهوم وقف از دید اندیشمندان و متکلمان اسلامی

معنای لغوی وقف، ایستادن، حبس کردن، ساکن کردن و ... (معین، ۱۳۸۰، ذیل واژه وقف)؛ ایستادن، اندکی درنگ کردن در بین کلام و دوباره شروع کردن (عمید، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۹۵۳)؛ اقامت کردن، به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲: ۵۰۴۷) و در اصل لغت عربی به معنای ایستادن، در حال ایستاده ماندن، آرام گرفتن و حبس آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۲۰: ۳۱۱ و ۳۷۳).

وقف در اصطلاح به معنای «منحصر کردن چیزی را به کسی یا چیزی، ملک یا مستغلی را در راه خدا حبس کردن» است (معین، ۱۳۸۰، ذیل واژه وقف). برخی معتقدند به این دلیل به وقف «اصطلاحاً» وقف می‌گویند که مال را به‌منظور معینی متوقف و از تصرف در آن ممانعت می‌کند. تعریف وقف به‌عنوان یک اصطلاح خاص در فقه و حقوق محل آرا و نظرات مختلف فقها و حقوقدانان می‌باشد، شهید اول در لمعه گفته است: «وقف عبارت است از تحبیس اصل و اطلاق منفعت» و فقهای متأخر امامیه، به‌جای اطلاق منفعت، تسبیل منفعت گفته‌اند یعنی وقف عبارت است از: «حبس عین و تسبیل منفعت» (نجفی، ۱۳۹۷: ۲). امام خمینی (ره) فرموده‌اند: «و هو [الوقف] تحبیس العین و تسبیل المنفعه»



منظور از «تحبیس العین» یعنی مصون نمودن عین موقوفه از هرگونه انتقال و تلف، بعد از آنکه از دارایی واقف خارج شده است و مراد از «تسبیل المنفعه» یعنی منافع عین موقوفه در راه خدا صرف شود (خمینی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۲).

پیامبر اسلام وقف را «بازداشت ریشه و رها کردن فایده» دانسته‌اند (میرزای نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۴۷). شیخ طوسی، ابن‌ادریس، و یحیی‌بن‌سعید نیز وقف را به «بازداشت ریشه و استمرار بهره» تعریف کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ق، ج ۳: ۲۸۶). ابن‌حمزه با بیان همان تعریف، قیدی به آن اضافه می‌کند و «بازداشت ریشه و استمرار بهره در راهی نیک» می‌داند (ابن‌حمزه طوسی، ۱۴۰۸ هـ-ق: ۳۶۹-۳۷۰) و محقق حلی آن را عقدی می‌داند که ثمره‌اش، بازداشت اصل و آزاد کردن منفعت است (محقق حلی، ۱۴۰۲ هـ-ق: ۱۵۶). سرخسی وقف را «بازداشتن مملوک از تملیک دیگران» معرفی (سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۱۲: ۲۷) و ابن‌نجیم مصری آن را «بازداشتن عین از ملک واقف و صدقه دادن بهره یا به مصرف رساندن برای هر کسی که دوست دارد»، توصیف کرده است (ابن‌نجیم المصری، ۱۴۱۸ هـ-ق، ج ۵، ص ۳۱۳).

مرحوم شیخ طوسی با تفصیل بیشتری به وقف نگریسته و جوانب آن را بررسی کرده است. در نگاه وی به این مقوله چند نکته قابل تأمل است؛ اول آنکه هر چیزی که با بقای اصل قابل انتفاع و بهره‌گیری است می‌تواند وقف شود چه از جنس منقول باشد یا غیرمنقول و چه از سنخ اشیا باشد یا انسان. چنین برمی‌آید که او با این بیان در مقام توصیه‌ای برای ترویج سنت وقف است. دوم آنکه موقوفه را نمی‌توان فروخت، مگر آنکه در معرض نابودی باشد یا نمی‌توان آن را هبه کرد. دلیل آن شاید استمراربخشی وقف و جلوگیری از تصرف مالکانه یا غاصبانه باشد و تا حدی کوتاه‌سازی دست آنانی که برای مال موقوفه به کمین نشست‌اند و سوم تأکید بر تعیین و مشخص‌سازی آنهایی است که وقف برای آنان صورت می‌گیرد (موقوف علیهم) و عدم صحت وقف در صورت نامشخص بودن آنها تا زمینه سوءاستفاده را از میان ببرد و چهارم آنکه وی علی‌رغم دیدگاه شافعی، حکم حاکم را بر صحت وقف برای خویشان غیرنافذ دانسته و بر آن است که در این‌گونه موارد نمی‌توان اجتهاد کرد و همان‌طور که دیگر واقفان نمی‌توانند برای خویشان وقف نمایند، حاکم نیز چنین است. در آخر اینکه شیخ برای اثبات بسیاری از نظریه‌های خویش که ذیل بیست و چهار مسئله بیان گردیده به اجماع فرقه و گاه روایت ائمه (ع) و در برخی موارد به اجتهاد روی کرده است.



در مجموع و با توجه به آنچه بیان شد، وقف در کنار نهادهایی همچون قرض الحسنه، هبه، صدقه، عاریه، و... یکی از نهادهای اسلامی است که روح برادری، محبت به هم‌نوع، احسان و همکاری و تعاون را در جامعه گسترش می‌دهد. امتیاز عمل وقف این است که صالح و باقی، و انفاقی عاری از منت، و احسانی خالی از اذیت و به‌دور از تحقیر شخصیت دیگران، و صدقه‌ای است دائمی و مستمر و بدون ریاست، و برای انسان ذخیره می‌شود. افزون بر این سبب نیک‌نامی واقف در دنیا و جاودانگی‌اش در آخرت می‌شود.

### فلسفه و هدف تأسیس و ترویج وقف در اسلام

وقف که کاملاً با اهداف اسلامی مطابقت دارد به‌عنوان یک تأسیس اجتماعی پذیرفته شده است. پیامبر و پیشوایان دیگر دین اسلام سفارش بسیاری به صدقات جاریه و خیرات و مبرات کرده‌اند. مسلمانان بشردوست این عمل خیر را باقیات و الصالحات نام نهاده و آن را موجب بقای نام و نشان در این جهان و دریافت پاداش فراوان و آمرزش در آن جهان دانسته‌اند. یکی از مهم‌ترین تمهیدات دین اسلام در زمینه دوراندیشی و تأمین آینده مسلمانان و فرزندانشان پایه‌ریزی سنت حسنه وقف است، چنان‌که وقتی به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) و سنت عملی ایشان بنگریم، اهمیت دوچندان آن آشکار می‌شود.

وقف از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جزء مظاهر خاص پیشرفت و رفاه جامعه است. براساس موازین اسلامی، به کمک وقف معمولاً ثروت‌ها بعد از چند سالی از خانواده‌ای به خانواده دیگر و از طبقه‌ای به طبقه دیگر انتقال می‌یابد و نوعی تعدیل و تقسیم ثروت پیش می‌آید. این امر در حقیقت نوعی بیمه اجتماعی محسوب می‌شود. فقرزدایی یکی دیگر از اهداف مهم وقف است؛ احکامی برای حمایت از مستمندان، کمک به نابینایان، زمین‌گیران، ازپافتادگان، آوارگان، کودکان بی‌سرپرست، ایتام، اسیران، بیماران، سالخورده‌گان، مقروضان، دورافتادگان از وطن، خون‌به‌های مقتول، قتل‌های غیرعمد، ضیافت، شرکت در برداشت محصول، امدادهای اجتماعی و... صادر شده است. براساس این، فلسفه تأسیس و ترویج نهاد وقف در اسلام پر کردن خلأها و برطرف کردن نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه اسلامی به حساب می‌آید. از صدر اسلام تاکنون به دنبال بروز مشکلاتی در زندگی اجتماعی و اقتصادی، انسان‌های



خیر و نیکوکار با ایجاد موقوفات و قرار دادن درآمدهای آن برای رفع مشکلات اقدام کرده‌اند. از دیدگاه اسلامی در یک جامعه انسانی با اهداف عالی، غایت تحکیم بنیادهای اقتصادی، تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی و نفع‌پرستی نیست، بلکه هدف، رفع نیازهای اساسی انسان در جریان رشد و تکامل مادی و معنوی او و رسیدن به اهداف غایی خلقت و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت است. از مهم‌ترین وظایف دولت و حاکمیت، فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای فراگیر شدن قسط و عدل، شکوفایی خلاقیت‌های گوناگون انسانی و هموار کردن مسیر فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی با ارائه فرصت‌های برابر و عادلانه، رفع تبعیض‌های ناروا و مهیا کردن امکانات لازم در هر مقطع و بخش است. اوقاف پیامبر گرامی اسلام (ص) و معصومان (ع) نشان می‌دهد که در صدر اسلام مسئله توازن اجتماعی در اولویت قرار داشت. بنابراین، بیشتر اوقاف آن عصر به این سمت هدایت می‌شد.

از سوی دیگر، وقف عام از دریافت‌های اخلاق انسانی و به‌گونه‌ای است که فطرت آدمی آن را درک می‌کند و حس نوع‌دوستی و دیگرخواهی او آن را ارج می‌نهد و می‌خواهد که این حمایت از مستمندان و درماندگان، یا ترویج علم و فعالیت خیرخواهانه و یا حل معضلی اجتماعی انجام گیرد و با وقف جاویدان بماند. با نگاهی به جوامع دینی و غیردینی و انسان‌های آخرت‌گرا و غیرآخرت‌گرا، نقش دین و اعتقاد به خدا و روز قیامت و جزای اعمال در نهادینه کردن این مقوله و توسعه آن بی‌بدیل می‌نماید. تعالیم اخلاقی اسلام به‌منظور توسعه همین دریافت انسانی و اخلاق مالی و تقویت غریزه و احساس بر جای ماندن تا حد ایثار و از خودگذشتگی گسترده با زبان‌های مختلف است. بر مبنای آموزه‌های اسلامی، مال دوستی در نهاد انسان است. «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (العادیات: ۸). در صورتی که در برابر این غریزه می‌تواند اعتقاد به حیات جاویدان و پاداش عمل صالح جایگزین شود. این اعتقاد در حس نوع‌دوستی، احترام و جلب محبت دیگران، بر جای گذاشتن نام نیک و پوشش دادن به چیزی که فرد دوست دارد همیشه بماند تبلور یافته و این موضوع در آموزه‌های قرآن با تعبیرهای مختلفی تشویق شده است: از بهترین اموال خود انفاق کنید، یا آنچه از زمین بیرون می‌آورید برای دیگران سهمی در نظر بگیرید؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ» (بقره: ۲۶۷).

در آیین اسلام، وقف کردن مثل آن باغی است که بر فراز پشته‌ای قرار دارد و اگر



رگباری بر آن برسد، دوچندان محصول برآورد و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران برای آن بس است: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرْبَوَّهَ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْ أَكْطَافَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره: ۲۶۵). در جایی دیگر خداوند هشدار می‌دهد که این اموال را برای چه نگه می‌دارید، انفاق کنید که روزی فرامی‌رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه یاور و دوستی که شما را شفاعت کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ» (بقره: ۲۵۴). و بدانید که آنچه برای خود نگه می‌دارید تمام شدنی است و آنچه برای دیگران وقف می‌کنید باقی خواهد ماند: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (نحل: ۹۶). بنابراین، در آموزهای اسلامی بهترین کار آن است که انسان پیش از مرگ به صورت مستمر برای خویش انجام دهد و می‌فرماید هر کار خوبی را که برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیشتر باز خواهید یافت: «وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (مزمّل: ۲۰).

### حقیقت وقف از دیدگاه قرآن و اهل بیت (ع)

وقف در قرآن به معانی آگاهی و اطلاع یا متوقف شدن یا متوقف کردن به کار رفته است. درست است که واژه وقف و مشتقات آن در قرآن نیامده ولی برخی مفاهیم مورد تأکید است که دلالت بر وقف می‌کند. در بحث مبانی وقف، با دو دسته از آیات مواجهیم؛ دسته‌ای از آیات ناظر بر جهان‌بینی انسان مؤمن و مبین مبانی عام رویکرد، و یا تشویق و تحذیر در پیامد ترک وقف است. مانند این دسته از آیات که حیات جاویدان عالم دیگری است و هرچه انسان از لذت‌ها و کامروایی‌های ابدی و دائمی و بدون کمبود می‌خواهد باید در عالمی دیگر جست‌وجو کند و بداند که تمام کامروایی‌ها در این دنیا سرانجامی دارد و در پی آن جهانی دیگر آغاز می‌شود و تنها حیات پس از مرگ جاویدان است، مانند این آیات شریفه: «وَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (قصص: ۶۰). «و هر آنچه به شما داده شده است کالای زندگی دنیا و زیور آن است و آلی آنچه پیش خداست بهتر و پایدارتر است مگر نمی‌اندیشید» «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُمْ وَلِئِبٍ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوَ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۴). دنیا نباید شما را بازی دهد و از یاد خدا غافل سازد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا



تُلهِكُمْ أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقون: ۹)  
 «ای کسانی که ایمان آورده‌اید [زنده‌اید] اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگرداند و هر کس چنین کند آنان خود زیانکارانند» یا در جایی که انسان نه درست از این جهان بهره‌بردار و نه عملی و کاری که برای آن سرا داشته باشد: «خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (حج: ۱۱).

این آیات با وقف سنخیت کامل دارند: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران: ۹۲) یعنی هرگز به مقام نیکوکاران نخواهید رسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید در راه خدا انفاق کنید. از آنجاکه ماهیت وقف نیز نیکوکاری و برّ است که به شکل بخشش و ایثار (انفاق) ادا و اجرایی می‌شود، این آیه با وقف انطباق کامل دارد. در آیه دیگر آمده: «الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْلًا» (کهف: ۴۶) یعنی کارهای شایسته ماندگار نزد پروردگارت از نظر پاداش بهتر و امید آن بیشتر است. از آنجاکه ماهیت وقف، تداوم، ماندگاری و ابدیت است، از این رو می‌توان گفت یکی از مصادیق باقیات و صالحات وقف است.

نویسندگان کتب آیات الاحکام مثل راوندی و فاضل مقداد، نیز به تفصیل آیاتی پرداخته‌اند که به گونه‌ای اشاره به وقف دارند از آن جمله می‌توان به سه آیه ذیل اشاره کرد: «وَلِكُلِّ وَجْهٍ هُوَ مُوَلِّئُهَا فَاسْتَثْبِقُوا الْخَيْرَاتِ اِنَّ مَا تَكُونُوا يَأْتِي بِكُمْ اللّٰهُ جَمِيعًا»؛ هر کس را راهی است به سوی حق [یا قبله‌ای است در دین خود] که بدان راه یابد و به آن قبله روی آورد؛ پس بشتابید به سوی خیرات که هر کجا باشید، همه شما را خداوند به عرصه محشر خواهد آورد» (بقره: ۱۴۸). به عقیده برخی مفسران خیرات در «فَاسْتَثْبِقُوا الْخَيْرَاتِ» جمع خیر بر وزن صعب به معنای چیزی است که انتخاب شده و برتر باشد، این معنا اعم است از هر عمل صالح و هر قدم خوب و عبادت و طاعتی که سبب پیشرفت و سعادت انسان شود. شأن نزول آیه در خصوص قبله است که به سبب آن پس از آنکه قبله از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر یافت، مشاجر بالا گرفت و یهود اعتراض کردند. آیه در پاسخ به یهود نازل شد و خداوند فرمود: به جای مشاجر در این باره به انجام کارهای خوب شتاب کنید؛ ولی «الخیرات» جمع و اعم از عمل صالح و «برّ» است. این کلمه حدود ۱۸۰ بار در قرآن به کار رفته و از مجموع آیاتی که واژه خیر در آنها آمده است می‌توان نتیجه گرفت هر چه انسان را به خداوند نزدیک کند و در دنیا و آخرت برای انسان صالح باشد خیر است، و





براساس سنت نبوی، جامع بین خیرات، رضای خداوند است. از آنجا که کلمه «الخیرات» جمع است و معنای جمع می‌دهد، هر نوع کار خوبی را شامل می‌شود. بدیهی است که با توجه به تشویق روایات به سنت وقف و با توجه به انجام وقف از سوی معصومان (ع)، وقف می‌تواند یکی از مصادیق خیر باشد. افرادی چون خزائلی نیز این نکته را تأکید کرده‌اند (خزائلی، ۱۳۵۶: ۱۳۶).

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»؛ هرگز به نیکوکاری یا مقام عالی نخواهید رسید، مگر آنکه قسمتی از آنچه را دوست دارید انفاق کنید و هر آنچه ببخشید، خداوند از آن آگاه است (ال عمران: ۹۲). مفسران در تفسیر معنای کلمه «بِرّ» نظرهای گوناگونی داشته‌اند، برخی گفته‌اند: تفاوت «بِرّ» و «احسان» آن است که احسان اعم از احسان مالی و جاه و غیر آنهاست؛ ولی «بِرّ» اعطای چیزی غیر از مال و جاه و مقام است، و چنانچه الف و لام جنس بر سر کلمه «بِرّ» بیاید شامل همهٔ ثنویات دنیایی و آخرتی می‌شود (طیب، ۱۳۵۴، ذیل آیه ۹۲ سوره آل عمران). در قاموس قرآن و مفردات راغب گفته شده: معنای اصلی کلمه «بِرّ» به فتح باء، خشکی است و چون خشکی با وسعت است، به نیکویی‌های وسیع «بِرّ» به کسر باء، و به بسیار نیکویی کننده، «بِرّ» به فتح باء گفته می‌شود و جمیع این کلمه، ابرار و برره است و «بِرّ» به کسر باء به معنای نیکویی است؛ هر چند در برخی آیات به معنای همبستگی و پیوستن و فرمانبرداری و اطاعت کردن و نیز تقوا و پرهیزکاری نیز به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۸: ۴۰). با توجه به وسعت معنای کلمه «بِرّ» که شامل هر کار خوبی اعم از قلبی و غیر قلبی است و با توجه به اینکه وقف می‌تواند یکی از مصادیق «بِرّ» باشد، خزائلی در ذیل آیه یاد شده گفته: «این آیه بر آن دلالت دارد که همهٔ صدقات و مِنْ جمله موقوفات باید از اموالی باشد که مورد رغبت و علاقهٔ صاحب آن باشد» (خزائلی، ۱۳۵۶).

«الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا»؛ اموال و پسران، تجمل زندگی دنیوی است و کارهای ماندگار شایسته نزد پروردگارت خوش‌پاداش‌تر و امیدبخش‌تر است (کهف: ۴۶). مفسران دربارهٔ معنا و مفهوم «الباقیات و الصالحات» چندین وجه بیان کرده‌اند، اما بهترین تفسیر آن است که بگوییم به معنای اعمال صالح است زیرا اعمال انسان نزد خداوند برای انسان محفوظ است. چنانچه عمل انسان صالح باشد باقیات الصالحات خواهد بود و این‌گونه اعمال نزد خداوند ثواب بهتری



دارند زیرا خداوند تعالی به کسانی که آنها را انجام می‌دهند، جزای خیر می‌دهد. چنانچه الباقیات الصالحات را به معنای اعمال صالح یا مطلق کارهای نیک بدانیم، وقف نیز یکی از مصادیق آن خواهد بود؛ چه آنکه تشویق گفتاری و عملی معصومان (ع) دربارهٔ وقف نشان می‌دهد که وقف از مصادیق عمل صالح است.

در سخنان و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) نیز سفارش زیادی به وقف شده است. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ صَدَقَةٌ جَارِيَةٍ وَعِلْمٌ يَنْتَفَعُ بِهِ وَوَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو بِهِ» هنگامی که بنی آدم بمیرند عمل آنها به جز در سه مورد قطع می‌شود؛ صدقهٔ جاریه‌ای که باقی می‌ماند، علمی که از او بماند و به مردم نفع رساند، و فرزند صالح که از او باقی بماند و برای وی دعا کند (عبده تبریزی، ۱۳۸۴). سنت حسنهٔ وقف جزء مصادیق عالی صدقهٔ جاریه است زیرا تا زمانی که از موقوفه بهره برده می‌شود برای واقف حسنه نوشته می‌شود. افزون بر این، وظیفهٔ مسلمانان نسبت به یکدیگر تنها با پرداخت وجوه واجب، که از آن به زکات ظاهر تعبیر می‌شود، پایان نمی‌پذیرد بلکه باید زکات باطن را نیز پرداخت کرد.

پیامبر (ص) گذشته از آنکه خود چنین می‌کرد، دیگران را نیز به انجام این عمل خیر توصیه می‌فرمود. چنان که از ابن عمر نقل است در خیبر زمینی نصیب عمر شد، نزد پیامبر (ص) آمد و در آن مورد از ایشان نظر خواست و گفت این زمینی که در خیبر بهرهٔ من شده بهترین مزرعهٔ من است، در آن باره چه دستور می‌فرمایی؟ پیامبر (ص) فرمود: اصل آن را وقف کن و درآمدش را صدقه تعیین کن. عمر چنان کرد که اصل آن مزرعه غیرقابل فروش، بخشیدن و ارث بردن باشد و درآمد آن را مخصوص فقیران و ارحام و بستگان نیازمند و آزاد کردن بردگان و در راه خدا و برای در راه ماندگان و پذیرایی از میهمانان قرار داد و گفت برای کسی که عهده‌دار انجام دادن کارهای آن مزرعه می‌شود مانعی ندارد که به شیوهٔ پسندیدهٔ خود از آن بهره‌مند شود و از دوستان غیرمتمول خود هم پذیرایی کند. ابن عون می‌گوید چون این سخن را به محمد بن سیرین گفتم، گفت از شرایط دیگرش این بود که از درآمد آن مزرعه مال اندوزی نشود (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۳۱۱).

بعد از پیامبر اکرم (ص)، الگوها و نمونه‌های عینی تحقق اسلام، ائمه (ع) هستند و رفتار و گفتار آنان تعیین‌کنندهٔ رفتار و فرهنگ اسلامی است. جایگاه وقف در نظر ائمهٔ اطهار (ع) تا آنجاست که حضرت علی (ع) در یکی از وقف‌نامه‌هایش هدف خود را چنین



بیان می‌کند: «به‌منظور جلب رضایت الهی تا به سبب آن مرا داخل بهشت برین فرماید و از آتش دورم دارد و آتش را از صورتم دور فرماید. در روزی که صورت‌هایی سفید و صورت‌هایی سیاه هستند».

## مصادیق وقف در قرآن کریم

در قرآن کریم آیه‌ای وجود ندارد که به‌طور صریح بر مسئله وقف و احکام آن دلالت کند، اما دقت در مضامین برخی آیات که به عمل صالح، تألیف قلوب و جلب محبت دیگران، روح تعاون، احسان و برادری، و تقرب الی‌الله تشویق و ترغیب می‌نماید و همچنین کلام ارزشمند معصومان (ع) و سیره عملی آن بزرگواران در دوران حیات مکرمشان نشانگر اهمیت والا و بسیار زیاد وقف نزد خداوند متعال و اهل بیت (ع) است. بی‌شک توجه شارع مقدس و بزرگان دین به وقف مبین آثار گران‌سنگ و ماندگار وقف به‌عنوان باقیات و صالحات است که نه‌تنها در سرای فانی شامل افراد گوناگون می‌شود بلکه تأثیرات آن در جهان باقی نیز مایه‌ی تعالی روح و مراتب انسان واقف خواهد شد. در ادامه با تفصیل مواردی اشاره می‌گردد که بیانگر ارزش اخلاقی وقف هستند یا یکی از مصادیق مهم آن وقف محسوب می‌شوند:

۱. **انفاق:** از جمله واژه‌های مربوط به وقف، انفاق است. آیاتی که ابعاد گوناگون این عمل را با عنوان انفاق پوشش می‌دهد، بسیار است. این کلمه بیش از ۷۵ بار با تعبیرهای مختلف برای تشویق، آداب، شرایط و موضوعات آن به‌کار رفته است، اما بی‌تردید این واژه در حوزه معنایی وقف هم قرار می‌گیرد زیرا معنای انفاق که پر کردن است، در اینجا به پر کردن خلأهای جامعه برای آینده‌های دور هم تفسیر می‌شود. توضیح اینکه، ماده ثلاثی انفاق، نَفَقَ به معنای حفره است که وقتی به باب افعال می‌رود، به معنای ضد آن، یعنی پر کردن نیازهای جامعه تفسیر می‌شود، در آن صورت یکی از مصادیق پر کردن خلأها می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۹). برای مثال در قرآن آمده است: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۴). کسانی که در شب و روز، آشکار و پنهان، اموال خود را انفاق می‌کنند، یعنی در هر حالت برای امروز و فردا. در جایی دیگر با مطرح کردن مسئله طلب خشنودی خدا و استواری روح در انفاق می‌فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ

أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرَبُوهَ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْ أَكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره: ۲۶۶).

**۲. الباقیات الصالحات:** این واژه دو بار در قرآن به کار رفته است، یکی در سوره کهف و دیگری در سوره مریم، دو سوره‌ای که پشت سر هم در مصحف آمده و هر دو بار این کلمه ناظر به کارهای خیر اجتماعی و ماندگار و در تشویق به کارهای نیک و در برابر زندگی زودگذر و مادی برای پس از مرگ توصیف شده است برای نمونه آمده است: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا» (کهف: ۴۶) نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگار بهتر و از نظر آرزوها بهتر است.

**۳. صدقه:** این کلمه به معنای اعطای مال، پنج بار در قرآن به کار رفته که در این شبکه معنایی نیز منطبق بر وقف و ناظر بر دستورات اخلاقی در سطح و شیوه پرداخت مال است، برای مثال فرموده که این پرداخت نباید همراه با منت و اذیت و برای تظاهر و ریا باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (بقره: ۱۶۴). در جهان بینی قرآن، یکی از راه‌های تزکیه و پاک کردن دل و تزکیه نفس دادن، صدقه و جدا کردن بخشی از اموال معرفی شده است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه: ۱۰۳). در روایات رسیده هم موضوع انقطاع عمل انسان پس از مرگ آمده و از آن: «صَدَقَةٌ اجْرَاهَا اللَّهُ فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ» تعبیر شده است (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۷۲). از این رو، فقها و محدثان به پیروی از روایات اهل بیت، کتاب وقف را کتاب الوقوف و الصدقات گرفته و با این عنوان مطالبی در اهمیت وقف و شرایط و آداب آن آورده‌اند.

**۴. سبیل الله:** کلمه سبیل ۱۱۶ بار در قرآن آمده که عمدتاً در معنای سبیل الله در بُعد ایجابی و سلبی در مال و جان و حتی هجرت و جهاد به کار رفته است. «راه خدا» در حوزه مال یکی از مفاهیم اجتماعی مربوط به وقف است که از یک سو جهت گیری رفتار مسلمانان را تعیین می‌کند، که باید کار آنان در مسیر الهی باشد و از سوی دیگر یکی از مصارف زکات و انفاق را که کارهای برجای مانده باشد راهنمایی می‌کند. «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تَتْلُوا بَأْيْدِكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵). «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِئَةُ حَبَّةٍ» (بقره: ۲۶۱). البته برای روشن کردن سبیل، قیودی تعیین می‌شود، مانند اینکه نباید همراه با منت و اذیت باشد: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ



أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۶۲) حتی یادآوری می‌کند که اگر چنین شد موجب باطل شدن آن می‌شود. از این رو نقش حضور خدا در نیت، افزون بر مشوق عمل، هدایتگر شیوه ادا و جهت دهنده آن می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (بقره: ۲۶۴). و در برابر الگوی مصرف و انفاق سبیل‌الله، راه درست را که در جهت رضای الهی یعنی: اِنْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ است مشخص می‌کند: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيْتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ» (بقره: ۲۶۵). نتیجه آنکه وقف از کارهایی است که در راه خدا می‌تواند و باید باشد و جهت‌گیری الهی دارد.

۵. **حسنه:** این کلمه ۲۸ بار در قرآن به کار رفته که عمدتاً به نیکی‌های اجتماعی در شبکه و ساختار الهی در بُعد ایجابی تفسیر می‌شود. نیکی کردن در راه خدا در حوزه مال نیز یکی از مفاهیم اجتماعی وحی مربوط به وقف است. راغب اصفهانی حسنات را متناسب با بافت گاه به معنای سخن، مال و گاه همسر و گاه رفتارهای معنوی و بلکه برای مطلق خوبی کردن معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۵). در پیامی کلی برای تشویق به انجام حسنه فرموده: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (انعام: ۱۶۰) و در برابر یادآور شده است که هر کار نیکی که در این دنیا بیاورید، خداوند نادیده نمی‌گیرد و پاداش آن را خواهد داد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا» إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء: ۴۰). در جای دیگری می‌افزاید: «وَمَنْ يُقْتِرْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (شوری: ۲۳).

۶. **محسنین:** عنوان احسان و محسن و نیکوکار در قرآن به معنای کارهای پسندیده و مفید و نیکوکار در جامعه به کار می‌رود. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (قصص: ۷۷). بنابراین، وقف، احسان، خیرخواهی و نیت سودرسانی به دیگران است. احسانی فراتر از عدالت که مستمر است و براساس نیاز جامعه انجام می‌گیرد، هر چند در مواردی به چیزی مانند نگهداری یک پُل در روستایی دورافتاده، به ظاهر کوچک می‌آید. از سوی دیگر قرآن اصلی را مطرح می‌کند که اگر کسی خود اقدام به احسان می‌کند، دیگران وظیفه دارند وی را



یاری کنند، یا دست‌کم موظف‌اند هر مشکل دست و پاگیری را از سر راه برداشته، او را تشویق کنند و وی را از کار نیکویش پشتیبان و مایوس نکنند. اگر هنگام انجام کار خیر به مشکلی برخورد، چون نیت خیر داشته و دارد، براساس قاعدهٔ احسان بر او کیفی نیست، به همین دلیل می‌گوید: «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۹۱) بر نیکوکاران نباید خرده گرفت و راه خدمت را بر آنها بست. اگر کسی وقف می‌کند، نباید او را پشتیبان و فرهنگ‌گرایش به وقف را دچار تزلزل کرد. جالب اینکه عنوان احسان از عنوان تقوای خاص بیرون است بسا افرادی که تقوای آن‌چنانی ندارند، اما اهل نیکوکاری، خیرات، مبرات، بنا کردن ابنیه و موقوفات هستند. بنابراین در قرآن با توجه به چنین واقعیتی به هر دو گروه وعدهٔ پاداش و معیت را به‌صورت جداگانه داده است. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (نحل: ۱۲۸) خدا یار و یاور کسانی است که تقوی پیشه کنند و کسانی که اهل احسان باشند. با چنین تفسیری یکی از ابعاد و اوصاف احسان وقف می‌شود.

۷. ایثار: ایثار و از خودگذشتگی می‌تواند یکی از کلمات کلیدی دیگر برای توصیف وقف در کتاب آسمانی باشد. این صفت اخلاقی که قرآن آن را ترویج و از آن به‌عنوان یکی از نمونه‌های عالی انسانی یاد می‌کند به این معناست که آدمی در زندگی شخصی قناعت و از ولخرجی و حتی رفاه زیاد پرهیز می‌کند و اموالی را برای وقف کردن می‌اندوزد: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر: ۹) و هرچند در خودشان نیازی مبرم باشد، آنها را بر خود مقدم می‌دارند و هرکس از خست نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگارند.

### نمونه‌های وقف در سیرهٔ معصومان (ع)

بارزترین نمونه‌های سنت حسنهٔ وقف در زندگانی معصومان (ع) به‌شرح زیر است: موقوفه‌های پیامبر اکرم (ص): از معروف‌ترین موقوفات پیامبر اکرم (ص) مخیربقه می‌باشد. وقادی در این زمینه می‌نویسد: مخیربِق یهودی از علمای یهود بود؛ روزی که پیامبر (ص) برای جنگ در احد بود، او به یهودیان گفت: به خدا قسم شما می‌دانید که محمد پیامبر است و نصرت و یاری او بر شما فرض و واجب است. آنها بهانه آوردند که امروز شنبه است، گفت دیگر شنبه معنایی ندارد! سلاح خود را برداشت و همراه رسول



خدا (ص) به میدان جنگ آمد و کشته شد. پیامبر (ص) فرمود: مخیریق بهترین یهود است، مخیریق وقتی از مدینه به احد می‌رفت، گفت: اگر کشته شدم، اموال من مال محمد است که در راه خدا صرف کند آن اموال منشأ اصلی صدقات پیامبر (ص) شد. اموال مخیریق هفت مزرعه بودند، به نام‌های میثب، صافیه، دلال، حسنی، برقه، اعواف و مشربه ام ابراهیم که مادر ابراهیم (فرزند حضرت رسول (ص)) در این منطقه سکونت داشت و پیامبر (ص) به آنجا می‌آمد (واقعی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۶۲ و ۲۶۳).

موقوفه‌های امیرالمؤمنین (ع): امیرمؤمنان (ع) موقوفه‌هایی داشت که در تاریخ ثبت شده و این موقوفات از اموال و دارایی شخصی آن حضرت بوده است که محدثان و مورخان نقل کرده‌اند. عبدالرحمن فرزند حجاج می‌گوید: این وصیت‌نامه را ابو ابراهیم (حضرت موسی بن جعفر (ع)) نزد من فرستاد! این، آن چیزی است که وصیت کرده و حکم نموده بنده خدا علی در مال خود برای رضای خدا تا اینکه (به وسیله این وصیت) خدا مرا داخل بهشت نموده و در روزی که صورت‌هایی سفید و صورت‌هایی سیاه می‌گردد، مرا از آتش دوزخ و آتش را از من دور سازد. آنچه در «ینبع» املاک دارم و به من تعلق دارد و در اطراف «ینبع» هم معروف است که مال من است، همه وقف است و همچنین برده‌هایی که در آن املاک دارم به غیر از ابی نیزر و ابی رباح و جبیر که آزاد هستند (و حق ولاء دارند) بقیه در همین املاک پنج سال کار می‌کنند و مخارج خود و عائله‌شان را از آنجا تأمین می‌کنند (سمهودی، ۱۹۸۶، ج ۴: ۱۳۲۸-۱۳۲۹). «سویقه» جایی است در نزدیکی مدینه که آل علی (ع) آنجا سکونت می‌کردند و از جمله صدقات امیرالمؤمنین (ع) بود (حموی، ۱۹۸۸، ج ۳: ۳۸۶). از ابو جعفر نقل شده است که عمر و علی یک قطعه زمین خود را وقف کردند (بیهقی، بی‌تا، ج ۶: ۱۶۱). آن حضرت زمین و خانه خود را در مصر با اموالی که در مدینه داشت وقف اولاد کرد (حنفی، ۱۹۸۷، ج ۳: ۴۷۸). فقیر و وادی ترعه نیز از موقوفات حضرت علی (ع) است (نمیری، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۲۶) از دیگر موقوفات امیرالمؤمنین (ع) «قصیبه» منطقه‌ای در نزدیکی خیبر و مدینه منوره است (نمیری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۲۵). افزون بر این، چاه‌های «ذوات العشاء»، «قعین»، «معید» و «رعوان» از سایر موقوفات حضرت بوده است.

موقوفه‌های حضرت زهرا (س): از جمله خاندان اهل بیت که موقوفاتشان ثبت شده، حضرت فاطمه (س) است. محمد بن علی شافعی از عبدالله بن حسن فرزند حسین روایت



می‌کند که گفت: عده‌ای از اهل بیت به من خبر دادند که فاطمه دختر رسول خدا (ص) و علی (ع) اموال خود را بر بنی‌هاشم و بنی‌المطلب وقف کردند و دیگران را هم در ردیف وقف‌شدگان بر آنها داخل نمودند (شافعی، ۱۹۸۶، ج ۳: ۲۷۹). ابی‌مریم می‌گوید: از امام صادق (ع) دربارهٔ صدقهٔ رسول خدا (ص) و صدقهٔ علی بن ابیطالب (ع) سؤال کردم، ایشان فرمودند: برای ما حلال است فاطمه (س) صدقات خود را بر بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب قرار داد (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۴۸). «فُرع» (به ضم فاء) و «ام‌العیال» دهی بوده است میان مکه و مدینه که صدقهٔ فاطمه زهرا (س) دختر رسول خدا (ص) بوده است (سمهودی، ۱۹۸۶، ج ۳). سهمودی از وقف حضرت زهرا (س) یاد می‌کند و می‌گوید: شافعی بنا به نقل بیهقی گفته است: صدقه رسول الله (ص) و صدقه زبیر در نزدیکی آن و صدقه عمر و عثمان و صدقه علی و فاطمه دختر رسول خدا (ص) و صدقه آنها که من نمی‌توانم بشمارم، در مدینه و اطراف مدینه است (سمهودی، ۱۹۸۶، ج ۳: ۹۹۹-۹۹۸).

موقوفه‌های امام حسین (ع): این امام بزرگوار خانه‌ای را وقف کرد، امام حسن (ع) به او فرمود: خانه را تخلیه کن (چون چیزی را که انسان وقف می‌کند از تصرف او بیرون می‌رود) خانه هم این‌گونه است: وقتی وقف شد خود واقف نباید در آن تصرف کند. در حدیث دیگری آمده است: امام حسین (ع) زمین و اشیای دیگر را که ارث برده بود پیش از اینکه تحویل بگیرد، وقف کرد (تمیمی مغربی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۳۹).

موقوفه‌های امام صادق (ع): مرحوم کلینی در اصول کافی می‌نویسد، یزید بن سلیمان می‌گوید: امام هفتم موسی بن جعفر (ع) وصیت فرمود و ده نفر را گواه گرفت تا آنجا که می‌نویسد: امام وصیت کرد تولیت ثلث موقوفه پدرم (امام صادق (ع) و ثلث خودم نیز با او (فرزند امام هفتم (ع) است. از اینکه حضرت فرمود: تولیت ثلث موقوفه پدرم، معلوم می‌شود که امام صادق (ع) هم موقوفه‌هایی داشته است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۵۶-۲۵۳).

موقوفه امام موسی بن جعفر (ع): آنچه امام موسی بن جعفر وقف نمود مشتمل است بر همهٔ زمین خود که در فلان مکان واقع است و حدود زمین نیز فلان است که به‌طور کلی درخت‌های خرما، زمین، قنات، آب، آسیاب، حریم، حقوق، حق آب زمین، پستی، بلندی، عرض، طول، میدان جلوی باغ، نهرهای کوچک و بزرگ، مرغزارهای آباد و خراب همه را وقف نموده است. متولی وقف، در آمد آن را (پس از کسر کردن مخارج مزرعه و سی عدد درخت خرما برای فقرای آبادی) میان فرزندان فلان (در بعضی از نسخ به جای فلان، موسی ذکر شده





است) تقسیم کند. برای هر مرد دوبرابر سهم زن در نظر بگیرد بنابراین اگر یکی از دختران امام موسی (ع) ازدواج نمود سهمی در این صدقه ندارد (حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۳: ۳۱۴).

## نتیجه گیری

از دیدگاه اسلامی در یک جامعه انسانی با اهداف عالی، هدف و انتظار از تحکیم بنیادهای اقتصادی، تمرکز و تکاثر ثروت، سودجویی و نفع پرستی نیست، بلکه انتظار، رفع نیازهای اساسی انسان در جریان رشد و تکامل مادی و معنوی او و رسیدن به اهداف غایی خلقت و ریشه کن کردن فقر و محرومیت است. از عمده وظایف دولت و حاکمیت، فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای فراگیر شدن قسط و عدل، بروز خلاقیت‌های گوناگون انسانی و هموار کردن مسیر فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی با ارائه فرصت‌های برابر و عادلانه، رفع تبعیض‌های ناروا و فراهم کردن امکانات لازم در هر مقطع و بخش است. از این رو، فلسفه تأسیس و ترویج نهاد وقف در اسلام پر کردن خلأها و برطرف کردن نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه اسلامی است. از صدر اسلام تاکنون به دنبال بروز مشکلاتی در زندگی اجتماعی و اقتصادی، انسان‌های خیر و نیکوکار با ایجاد موقوفات و قرار دادن درآمدهای آن برای رفع مشکلات اقدام کرده‌اند. اسلام با به رسمت شناختن نظام وقف یک برنامه عالی انسانی را بنیان نهاد که در اثر آن عواطف بشردوستی زنده شد. اسلام با این ابتکار تا آنجا در روح و اخلاق مردم اثر گذاشت که از مال خود چشم می‌پوشند و با وقف کردن قسمتی از اموال خویش به نفع کسانی که باید حمایت شوند وسیله آسایش آنان را فراهم می‌کنند و نیازهای نسل‌های آینده را نیز از راه وقف تأمین می‌کنند. به طوری که در دین مقدس اسلام از جانب پیغمبر بزرگوار اسلام (ص) و سایر پیشوایان مذهب سفارش بسیاری به صدقات جاریه، خیرات و مبرات شده است و این عمل خیر را مسلمانان بشردوست (الباقیات الصالحات) نام نهاده و آن را موجب بقای نام و نشان در این جهان و دریافت پاداش فراوان و آمرزش در آن جهان دانسته‌اند. همان‌طور که در این مقاله اشاره شد، مصادیق وقف در قرآن کریم کلماتی چون انفاق، الباقیات الصالحات، صدقه، محسنین، سبیل‌الله، حسنه و ایثار هستند که در تشویق به پرداخت مال و ثروت، بی‌اعتباری دنیا و ترجیح امر آخرت آمده که در شناخت این ارزش اجتماعی و جهت‌گیری و نظام‌مند کردن آن نقش مؤثری دارند و با تکیه بر



آنها می‌توان کاربردهای معنایی و هدایتی و تربیتی و برنامه‌ریزی آن را تعیین کرد و این فرهنگ را در جامعه گسترش داد یا از آن اصول و قواعدی درباره وقف استخراج کرد. براساس احادیث معتبر و مدارک تاریخی، پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار (ع) از نخستین کسانی بودند که املاک شخصی خود را وقف کردند و آثار خیری به‌عنوان وقف برای اعقاب و آیندگان خود به جای گذاشتند.

## منابع

- قرآن کریم
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
- شهابی، محمود؛ مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف در اسلام، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۹.
- شهید الثانی، زین الدین؛ الروضه البهیة، بیروت، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- ابن حمزه طوسی، ابوجعفر محمد بن علی بن علی؛ الوسيله الی نیل الفضیله، تحقیق محمد حسون، قم، نشر آیت ا... مرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۸.
- ابن سعد، محمد؛ الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ.ق.
- ابن نجیم المصری، زین الدین بن ابراهیم بن محمد؛ البحر الرائق فی شرح کنز الدقائق (فقه حنفی)، شیخ زکریا عمیرات، بیروت، محمد علی بیضون و دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ هـ.ق.
- بزرگی، سید مهدی؛ راههای ترویج فرهنگ وقف و ایجاد موقوفات جدید در جامعه، تهران، مجله میراث جاویدان، سال هشتم، شماره ۲، ۱۳۷۹.
- بیهقی، احمد بن حسین بن علی؛ السنن الکبری، ج ۶، بیروت، لبنان، دارالمعرفه، بی‌تا.
- تمیمی مغربی، نعمان؛ دعائم الاسلام، ج ۲، قاهره، منشورات دارالمعارف، ۱۳۸۳ هـ.ق.
- حر عاملی، محمد؛ وسائل الشیعه (آل‌البيت)، قم، مؤسسه آل‌البيت (ع)، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- حرعاملی، محمد بن حسن؛ وسایل الشیعه، ج ۱۱ و ۱۳، بیروت، منشورات داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ هـ.ق.
- حموی، یاقوت؛ معجم البلدان، ج ۱، بیروت، دار بیروت للطباعه و النشر، ۱۹۸۸ م.
- حنفی، عبدالله بن یوسف؛ نصب الرایه لاحادیث الهدایه، ج ۳، بیروت، لبنان، داراحیاء التراث العربی، للطباعه و النشر، ۱۹۸۷ م.
- خزائلی، محمد، اعلام قرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- خمینی، روح الله؛ تحریر الوسیله، ج ۲، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، تهران، سازمان لغتنامه دهخدا، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تصحیح ابراهیم شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ.ق.



- سرخسی، شمس الدین؛ المبسوط (فقه حنفی)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ هـ ق .
- سهمودی؛ وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، ج ۳، تحقیق و تعلیق محمد محیی الدین، بیروت، لبنان، دارالکتب العالمیه، ۱۹۸۶ م.
- شافعی، محمد بن ادريس؛ کتاب الام، ج ۳، بیروت، لبنان، دارالکتب العالمیه، ۱۹۸۶ م.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ المبسوط فی فقه الإمامیه (فقه شیعه تا قرن هشتم)، قم، المرتضویه لإحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۷ هـ ق.
- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۴.
- عبده تبریزی، حسین؛ نهاد مالی صندوق های وقفی در جهان و اصول اسلامی فعالیت آن در ایران، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۴.
- فضل الله همدانی، رشیدالدین، سوانح الافکار رشیدی، به کوشش محمدتقی دانش پژوه، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، ج ۱، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ هـ ق .
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن؛ المختصر النافع (فقه شیعه تا قرن هشتم)، تهران، مؤسسه بعثت، دوم، ۱۴۰۲ هـ ق.
- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات ساحل، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- میرزای نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (مصادر حدیث شیعه - فقه)، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ ق.
- نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام، ج ۲۸، تهران، دارالکتب اسلامیة، چاپ ششم، ۱۳۹۷ هـ ق.
- نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام، ج ۲، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۱ هـ ق.
- نمیری، عمر بن شهبه؛ تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، قم، منشورات دارالفکر، مطبعه قدس، ۱۳۶۸.
- واقدی، محمد بن عمر بن واقد؛ المغازی، ج ۱، تحقیق: الدكتور مارسدن جونس، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ هـ ق.